

بِسْمِ تَعَالَى



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

آشنایی با قوانین و مقررات حاکمیتی

در حوزه امر به معروف و نهی از منکر

(مطابق با فتاوی حضرت امام قدس سره و مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی)

دوره آموزشی ضمن خدمت کارکنان



اهداف دوره:

- آشنایی بیشتر با اهمیت امر به معروف و نهی از منکر
- شناخت شیوه های اثر گذار امر به معروف و نهی از منکر
- آشنایی با آثار، فواید و برکات امر به معروف و نهی از منکر
- شناخت پیامدهای بی تفاوتی

گروه هدف:

- کارکنان دانشگاه



فهرست مطالب :

Contents

۵	چکیده :
۵	کلید واژه:
۶	مقدمه
۷	جایگاه امر و نهی دینی
۷	نقش امر و نهی دینی در اجتماع
۱۵	شروط امر به معروف و نهی از منکر
۱۵	۱. علم به معروف و منکر
۱۶	۲. احتمال تأثیر
۱۶	۳. اصرار بر گناه
۱۶	۴. نداشتن مفسده
۱۷	مراتب امر به معروف و نهی از منکر
۱۷	مرتبه اول :
۱۸	مرتبه دوم :
۱۸	مرتبه سوم :
۱۹	اهمیت مرتبه زبانی
۲۰	مراتب امر و نهی زبانی
۲۱	گستره امر و نهی زبانی
۲۱	۲- نهی از مکروهات
۲۱	۳- امر به واجبات
۲۲	۴- نهی از محرّمات



ویژگی‌های جملات در امر و نهی زبانی..... ۲۲

۱. شیوایی..... ۲۳

۲. صراحت..... ۲۳

۳. متانت..... ۲۳

۴. جدیت..... ۲۳

۵. اختصار..... ۲۳

۶. اعتدال..... ۲۴

۷. سلامت..... ۲۴

۸. عطوفت..... ۲۴

۹. اکرام و احترام..... ۲۵

شیوه‌های کاربردی در امر به معروف و نهی از منکر..... ۲۶

۱. شناخت موقعیت و شرایط مخاطب..... ۲۶

۲. زمینه‌سازی..... ۲۷

۳. هماهنگی و برنامه‌ریزی..... ۲۷

۴. شناخت ریشه معروف و منکر..... ۲۸

شیوه‌های کاربردی در تاثیر امر به معروف و نهی از منکر در ۱۳ عنوان..... ۲۹

مسائل فقهی و حقوق امر به معروف و نهی از منکر..... ۳۳

نتیجه‌گیری..... ۳۵

نکات کلیدی..... ۳۷۶

خود آزمایی..... ۳۷

منابع..... ۳۸



چکیده:

این مقاله به بررسی ابعاد مختلف آشنایی با قوانین و مقررات حاکمیتی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است و سعی شده که جهان بینی کاملی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر در حوزه قوانین و مقررات ایجاد کند که مشتمل بر یازده فصل می باشد.

که در ابتدا به بحث نقش امر و نهی دینی در اجتماع پرداخته شده و سپس شروط امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن را بیان کرده ایم؛ همچنین شیوه های کاربردی در امر به معروف و نهی از منکر توضیح داده شده و در انتهای بحث مسائل فقهی و حقوقی امر به معروف و نهی از منکر ارائه گردیده است؛ تا خواننده مقاله از تمامی ابعاد به مسائل حقوقی امر به معروف و نهی از منکر آشنا گردد.

اگر ما بخواهیم نسبت به موضوعی تحقیق کنیم یا نسبت به آن آشنا بشویم لازم می باشد که نسبت به آن یک تصور کلی داشته باشیم اگر این تصور کلی ایجاد شد؛ می توان در خصوص آن صحبت کرد یا افراد دیگر را راهنمایی کرد؛ هر چه ما تصور کلی و جهان بینی دقیقی نسبت به موضوع داشته باشیم به آن موضوع نزدیک تر هستیم و بالعکس هر چه این جهان بینی ضعیف باشد ما از آن فاصله داریم و نمی توانیم نسبت به آن تصمیم گیری کنیم.

در این مقاله همان طور که ذکر شد سعی و تلاش برای ایجاد جهان بینی و یک تصور کلی نسبت به قوانین و مقررات می باشد.

کلید واژه:

امر به معروف و نهی از منکر، جامعه، رفتار، نظارت، قانون، وظیفه، مفسده، جهان بینی



مقدمه

قال الامام الباقر عليه السلام

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الْصُلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ
بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ
يُنْتَهَى صَفٌّ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛ امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه
صالحان است؛ فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می شود، و راهها امن می گردد و
درآمدها حلال می شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی گردد، زمین آباد می شود و (بدون ظلم)
حق از دشمنان گرفته می شود و کارها سامان می پذیرد.

امر به معروف و نهی از منکر در میان مفاهیم و آموزه های قرآن کریم و روایات اسلامی از اهمیت زیاد و جایگاه والایی
برخوردار است. امر به معروف و نهی از منکر ضامن اجرای سایر واجبات الهی است.
بررسی ها نشان می دهد در صورت فراگیر شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه ، دستگاهها ،
نهادهای اجرایی ومراکز آموزشی ؛ منکر و تخلفات کاهش یافته ، معروفها و فضایل افزایش می یابد.
بر این اساس به نظر می رسد آموزش این دو فریضه الهی به منظور آشنایی همگانی با اهمیت و شیوه های اثر گذار
آن ، در اولویت برنامه ها و اقدامات فوری مسئولان فرهنگی نهادها و موسسات آموزشی باشد.
اهمیت ، چرایی ، آثار، پیامدهای بی تفاوتی ، شروع ، چگونگی و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر و ویژگی های
آمران به معروف و ناهیان از منکر از نظر حاکمیتی مجموع عناوین درس های این جزوه را در بر می گیرد.



جایگاه امر و نهی دینی

نظارت در جامعه یک امر عقلی و فطری پذیرفته شده است که به شکل‌های مختلف نمود پیدا می‌کند و امروزه در جوامع پیشرفته، شدیدترین نظارت‌ها برای کنترل رفتار افراد جامعه و جلوگیری از انحراف آنها در قالب ایجاد شبکه وسیع نظارت دوربینی و حضور ماموران امنیتی و بازرسی صورت می‌پذیرد؛ اما دستور العمل دین اسلام برای اصلاح جامعه و افراد، ایجاد نوعی تعهد و مسئولیت مشترک میان افراد مسلمان برای حفظ و نگهداری جامعه اسلامی بر مبنای تعلیمات اسلامی و تحقق نظارت اجتماعی همگانی، برای کنترل کیفیت جامعه و بهبود جمعی است که به عنوان وظیفه قانونی و شرعی در جمهوری اسلامی ایران نیز تاکید شده است.

با توجه به این مقدمه لازم می‌آید که نقش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه مورد بررسی قرار گیرد و بیان شود چگونه اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه شکل نگیرد جامعه به انحطاط می‌رود.

نقش امر و نهی دینی در اجتماع

نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه زندگی، انسان‌ها را آن چنان به یکدیگر پیوند می‌زند و حیات آنان را آن چنان وحدت می‌بخشد که افراد را در حکم مسافرانی قرار می‌دهد که در یک اتومبیل و یا یک هواپیما یا یک کشتی سوارند و به سوی مقصدی در حرکت هستند و همه با هم به منزل می‌رسند و یا همه با هم از رفتن می‌مانند و همه با هم دچار خطر می‌گردند و سرنوشت یگانه‌ای پیدا می‌کنند.

بنابراین، زندگی این دنیا، یک زندگی اجتماعی است و در زندگی اجتماعی، همبستگی و وحدت حکمفرماست؛ کارهای خوب نیکوکاران در سعادت دیگران موثر است و کارهای بد بدکاران نیز در جامعه اثر منفی می‌گذارد و به همین دلیل است که



مسئولیت‌های مشترک نیز وجود دارد. افراد یک جامعه همانند اعضا و جوارح بدن، کم و بیش، جور یکدیگر را باید بکشند، اختلال یکی از آنها موجب زوال سلامت از عضوهای دیگر می‌گردد؛ مثلاً اگر کبد خوب کار نکند ضرر آن به عضوهای دیگر هم می‌رسد. از این رو، به واسطه همین سرنوشت مشترک افراد در اجتماع است که اگر یک نفر بخواهد گناهی مرتکب شود بر دیگران لازم است مانع او گردند.

مثال امر به معروف و نهی از منکر، مثال جلوگیری از انسان نادانی است که سوار بر کشتی شده و قصد سوراخ کردن آن را دارد که اگر از این کار او جلوگیری نشود با سوراخ شدن کشتی، خود او و دیگر مسافران کشتی غرق خواهند شد. آیا اگر چنین فردی اعتراض کند که هیچ کس حق ندارد آزادی مرا سلب کند زیرا من تنها زیر صندلی مخصوص خود را که اختیار آن را دارم، سوراخ می‌کنم و تنها خودم غرق می‌شوم! کسی به اعتراض او توجه می‌کند؟ مسلماً کسی اعتراض او را نمی‌پذیرد؛ زیرا همگان می‌دانند که سوراخ شدن یک نقطه از کشتی همان و غرق شدن همه کشتی با تمام سر نشینان هم همان. بنابراین، اگر در جامعه‌ای امر به معروف و نهی از منکر ترک شود گناه و فساد یک نفر یا یک گروه به سایر افراد و سایر گروه‌ها نیز سرایت می‌کند و جامعه‌ای را آلوده می‌کند.

امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان! تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسول و متعهد نیستی، تو در مقابل اجتماع خود هم مسئولیت و تعهد داری. ما در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱؛ واقعیت این است که هرگز خداوند اوضاع و احوال مردمی را به سود آنان عوض نمی‌کند مگر وقتی که خود آن مردم، آنچه مربوط به خودشان است، اخلاق، روحیات، ملکات، نیات و بالاخره خودشان را عوض کنند.

آنچه از آیه فوق می‌توان نسبت به فرهنگ عمومی استفاده کرد آن است که ما نسبت به خود، خانواده و جامعه مسئولیت داریم و هر آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد بر حسب عملکرد خود ما می‌باشد و لذا، جامعه‌ای پویا و سرزنده است که افراد آن در مسیر رشد و سعادت انسانی حرکت کنند.

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.



نتیجه آنکه خداوند وضع هیچ قومی را تا خود آنان تغییری در وضع خود به وجود نیاورند تغییر نمی‌دهد. نقش هر فرد در تعیین سرنوشت جامعه، و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد ایجاب می‌کند که او ناظر همه اموری باشد که پیرامونش اتفاق می‌افتد و نسبت به منکرات بی‌تفاوت نباشد و این ضرورت امروز جامعه است.

از سوی دیگر، باید توجه داشته باشیم که شناخت عوامل رشد و گسست یا مرگ یک جامعه، مستلزم شناخت صحیح از انسان و جامعه است و شناخت این دو نیز وابسته به شناخت جهان است. بنابراین درک عمیق اسباب فروپاشی یا پیشرفت هر جامعه رابطه مستقیمی با جهان بینی افراد دارد و چون جهان بینی‌ها مختلف هستند تفسیرها از اعتلا و انحطاط نیز گوناگون می‌باشند؛ اگر جهان و انسان مادی باشند رابطه انسان و جهان نیز در همین مدار قرار می‌گیرد و رشد یا گسیختگی جامعه نیز بر موازین آن تفسیر می‌شود؛ اما در جهان بینی الهی، چون انسان و جهان جاودانه دیده می‌شود نه در فاصله میان تولد تا مرگ، نوع نگرش بر رشد و انحطاط آن نیز متفاوت است.

قرآن کریم اعتلا و انحطاط جامعه را بر حسب نوع نگرش و جهان بینی افراد تبیین می‌کند؛ به عنوان مثال جامعه و افرادی را که نگرش و جهان بینی مادی دارند و پیشرفت را تنها از دریچه مادی می‌نگرند، و خیال می‌کنند که هر که اهل استعلا و برتری طلبی باشد به فلاح و رستگاری می‌رسد،^۲ محکوم به شکست می‌داند و رشد واقعی یک جامعه را بر مدار پیشرفت فکری، اعتقادی و علمی می‌داند که از حق، سر چشمه گرفته باشد و اساس آن را اعتقادات صحیح تشکیل دهد.

با برداشت از آیات مختلف قرآن کریم، می‌توان فهمید که مکانیزم هلاکت یک جامعه، چنین است که افراد عیاش، به سبب در دست داشتن سلطه‌های مختلف، باعث پیدایش و گسترش انواع فسق و انحراف همه جانبه در میان توده مردم می‌شوند و از این رهگذر جامعه را در ورطه سقوط قرار می‌دهند؛ و تنها عاملی که می‌تواند در این میان موثر افتد و جامعه را نجات دهد، امر به معروف و نهی از منکر است.

^۲. سوره طه، آیه ۶۴: «وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى»؛ امروز آنکس که غلبه یابد پیروزی یافته است.



امر به معروف و نهی از منکر دو واجب از فروع دین و از پایه‌های اساسی دین داری به شمار می‌روند. واژه امر به معنای ایجاد اشتیاق به انجام کار نیک با زبان است و امر به معروف نیز به معنای دعوت کردن کسی است که عمل واجبی را ترک کرده به انجام آن و نهی از منکر نیز به معنای تلاش برای جلوگیری از انجام کار حرام توسط فرد گناهکار است.

از این رو، امر و نهی دینی، گل سرسید احکام خداست که دینداری مردم به وجود آنها شکل می‌گیرد. خداوند در حدود ده آیه از آیات قرآن را به این دو اصل تابنده اختصاص داده و انجام آنها را از ویژگی‌های اهل ایمان به شمار آورده است؛ همانگونه که می‌فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ؛^۳ مردان و زنان با ایمان یاور یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

نکته مهم در این آیه اشاره به نقش زنان مومن در عرصه امر به معروف و نهی از منکر است که خداوند متعال به صراحت بیان می‌دارد که زنان مومن نیز همانند مردان مومن باید به ترویج ارزش‌های الهی بپردازند و در عرصه امر به معروف و نهی از منکر پیشقدم باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی می‌فرمایند:

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ

الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي؛ تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در مقابل امر به

معروف و نهی از منکر همچون قطره ای در مقابل دریای موج و پهناور است.^۴

^۳. سوره توبه آیه ۷۱.

^۴. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.



امام رضا علیه السلام نیز فرمودند:

لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لِيُسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو

خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ؛^۵ یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید یا بدان شما بر شما

گمارده می‌شوند و در نتیجه، خوبانتان دعا می‌کنند اما مستجاب نمی‌شود.

بنابراین، از دیدگاه فرهنگ و حیانی قران و اهل بیت علیهم السلام، احیای امر به معروف و نهی از منکر خیلی مهم‌تر و عظیم‌تر از سایر ارزش‌های الهی است؛ چون این دو فریضه الهی، عامل بسیار قدرتمندی در مقابل زشتی‌ها و منکرات و بی‌عفتی‌ها در جامعه است؛ به طوری که شهادت امام حسین علیه السلام در راه امر به معروف و نهی از منکر خود مهمترین نشانه ارزشمندی این دو فریضه است. از این رو، برترین دینداری نیز در اجرای آنها نهفته است و بیشترین بها در بازار آخرت نیز به همین دو متاع گرانبقدر اختصاص خواهد داشت؛ به تعبیر سخن حضرت امام رضا علیه السلام یا جامعه ایمانی، جامعه‌ای است که در آن امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد یا جامعه‌ای است که سیر نزولی خویش را آغاز کرده و بدترین‌ها به حکومت بر آن می‌رسند و چنان پیوند این جامعه با آسمان قطع می‌شود که خداوند متعال حتی دعای خوبان آن جامعه را نیز مستجاب نمی‌کند و حتی مورد لعنت پیامبرانشان قرار می‌گیرند، به طوری که قران کریم می‌فرماید:

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ

بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ؛^۶ کافران بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی پسر مریم از آن رو

لعنت کرده شدند که نافرمانی (خدا) نموده و (از حکم حق) سرکشی می‌کردند.

از این آیه شریفه روشن می‌شود که انبیای الهی همیشه شفیع نیستند بلکه گاهی مردم را نفرین می‌کنند؛ البته، این اعلام تنفر و بیزاری نیز به خاطر آن بود که آن‌ها علناً، گناه کار و متجاوز بودند و هیچ‌گاه نهی از منکر نمی‌کردند: «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ آنها هیچ‌گاه یکدیگر را از کار زشت خود نهی نمی‌کردند، و آنچه

۵. الکافی (دارالحدیث)، ج ۹، ص ۴۸۴، ح ۳.

۶. سوره مائده، آیه ۷۸.



مدیریت توسعه سازمان و تحول اداری

می کردند بسی قبیح و ناشایسته بود»^۷ یعنی روش ایشان به این صورت بود که عده‌ای اعمال زشت و منکر را مرتکب می شدند و گروه دیگر هم را ضی به فعل آنها بودند و آنها را نهی و منع نمی کردند و این رضایت به عمل منکر، خود عملی زشت و منکر است، پس شیوه همیشگی آنها ارتکاب منکرات بود.

به هر حال، باید توجه داشت که امر به معروف در جامعه، نشانه اهتمام به عاقبت امر جامعه و افشاندن بذر خوبی‌ها در مزرعه جان انسان‌هاست تا با به ثمر رسیدن هر بذری، گلی از درون آن شکفته شود و جامعه، گلزاری از ارزش‌های سبز و زیبایی خوبی‌ها گردد؛ و از همین جهت، فلسفه امر به معروف و نهی از منکر، هدایت و صیانت شخص و اجتماع از بدی و گرایش به نیکی‌ها و پایداری حاکمیت دین بر جامعه و به تعبیر علت بقای دین است. آزادی بیان و فکر به معنای واقعی نیز وقتی در چارچوب عقل و منطق باشد در واقع همین امر به معروف و نهی از منکر در جامعه خواهد بود و از این رو، اولین گام در جهت فرهنگ سازی امر به معروف در سطح جامعه، برنامه‌ریزی متناسب و ایجاد سازمان و تشکیلات برای ترویج این فریضه الهی و پاسداشت از آن است و عامل موفقیت در این مسیر نیز صبر و استقامت است.

بنابراین، ایجاد ساز و کارهای مناسب برای کنترل اجتماعی به لحاظ آنکه جریان طبیعی جامعه را در مسیر اصلاح پوشش و تکامل قرار دهد ضروری است. در جامعه به دلیل اینکه اهل کجی (افراد فاسد) از هیچ سیاستی ابا ندارند، چه سیاست حيله و چه سیاست‌های کثیف دیگر و در مقابل آن، افراد صالح نمی‌توانند از چنین سیاست‌هایی استفاده کنند آنها با هر حربه و حيله‌ای که شده وارد می‌شوند و شروع به انحراف جامعه می‌کنند، و در این بین نیز برخی افراد در گسترش تباهی از آنها پیروی می‌کنند.

از این رو، قرآن یکی از راهکارها برای کنترل غرایز طبیعی انسان را که در نهایت به جلوگیری از شیوع ظلم و رستگاری جامعه می‌انجامد امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده است:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ

هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و باید از شما مسلمانان، برخی مردم را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به

^۷. سوره مائده، آیه ۷۹.



نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند و اینان رستگار خواهند

بود.^۸

از سوی دیگر، ترک این فریضه الهی نتایج مشقت باری را در جامعه برجای خواهد گذاشت و عذاب الهی آنان را فرا خواهد گرفت حتی آنان را که در فساد و منکرات فاقد نقش بوده‌اند؛ زیرا در این وضعیت، جامعه روح ظلم و بی عدالتی به خود می‌گیرد و از فطرت اولی خود و مسیر خلقت منحرف می‌شود و استحقاق قهر الهی را خواهد یافت. از این رو، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ

أُنجَيْنَا مِنْهُمْ؛ چرا در امم گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشتند که مردم را از فساد نهی کنند

تا ما مثل آن عده قلیل مومنانشان که نجات دادیم همه را نجات دهیم.

با توجه به این آیه شریفه، نهی از منکر از جمله مهم‌ترین عوامل پیشگیرانه از عذاب الهی شمرده شده است. از این رو، قرآن کریم در دو ساحت فردی و جمعی به امر به معروف و نهی از منکر سفارش می‌کند: در ساحت فردی، انسان مکلف تا زمانی که به صفات آگاه نباشد شایستگی و قابلیت اداره کل یا بخشی از جامعه را نخواهد داشت و افراد تحت اشراف خود را به انحراف و نابودی خواهد کشاند و در ساحت جمعی نیز اگر مفاسد عقیدتی و عملی، به عنوان صفات یک جامعه شدند، آن جامعه بنا به سنت الهی به انحطاط خواهد گرایید. به همین جهت، تشریح این فریضه مهم نیز براساس قانون طبیعی در اصلاح و افساد، برای نجات و توسعه پایدار جامعه است؛ به علاوه افزون بر نفس ظلم که باعث هلاکت است، انکار رهبران (انکار آمران به معروف و ناهیان منکر) که عهده دار هدایت جامعه، به ترک ظلم یا انجام معروف هستند نیز خود موجب هلاک آن مردم خواهد شد:

^۸. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.



وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ^۹؛ و ما هیچ

ر سولی در دیاری نفر ستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار به ر سولان گفتند ما به ر سالت شما کافریم و هیچ ایمان و عقیده بشما نداریم.

بنابراین، حقیقت رسالت پیامبران این بوده که مردم را از کار بد نهی کنند و به کار خوب امر کنند؛ یعنی خود این پیامبران هم مامور بودند که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر کنند.

حضرت رسول خدا صل الله علیه و آله می فرماید:

مردم تا هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و همدیگر را در احسان، نیکوکاری و تقوا یاری می کنند، پیوسته در خیر و خوبی اند؛ پس هرگاه چنین نباشد، خیر و برکت از آنها برداشته می شود ... اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، بعضی از آنها (نااهلان ستمگر) بر بعضی دیگر سلطه می یابند و یآوری در زمین و آسمان نخواهند داشت.^{۱۰}

در نهایت، باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه، ناظر به رفتارهای علنی بوده که بدون تجسس مشخص باشد و دارای دو اثر قطعی و دو اثر احتمالی دارد: آثار قطعی آنها پاداش آخرتی و رشد و کمالی است که امر به معروف، در پرتوی عمل خود به آن دست می یابد و این دو اثر گران بها کافی است که فرد در صحنه های امر به معروف و نهی دینی حضور داشته باشد، و دو اثر احتمالی آن نیز هدایت بندگان خدا، و رشد و سلامت فرهنگی جامعه است.

^۹. سوره سبأ، آیه ۳۴.

^{۱۰}. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱.



شروط امر به معروف و نهی از منکر

قبل از پرداختن به شرایط، مجدداً شایسته یادآوری است که از نظر شرعی، رفتار و گفتار پسندیده را معروف و رفتار و گفتار ناپسند را منکر می‌نامند؛ همانطور که بازداشتن دیگران از رفتار ناپسند را نهی از منکر و وادار کردن دیگران به رفتار و گفتار پسندیده را امر به معروف می‌گویند.

نکته دیگر آنکه امر به معروف و نهی از منکر، دو واجب کیفایی هستند به گونه‌ای که مخاطب آن، فرد مشخصی نیست و با انجام آن از سوی هر یک از مکلفان، هدف شارع برآورده می‌شود و دیگر کسی در این زمینه تکلیف ندارد. همچنین باید به این امر توجه داشت که اولین و مؤثرترین شیوه در امر به معروف و نهی از منکر تبلیغ عملی است. یکی از مهمترین عوامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در ترویج و گسترش مکتب، توجه به این شیوه بوده است. پیامبر اکرم (ص) در اغلب کارها از قبیل کندن خندق، ساختن مسجد و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی و قبل از اینکه دیگران را تشویق به این کار کند خود پیشقدم می‌شد، همچنانکه امامان معصوم (ع) به این طریق عمل می‌کردند.

به هر روی، در واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر چند چیز شرط است:

۱. علم به معروف و منکر

کسی که می‌خواهد امر و نهی کند، باید به شرایط منکر و ماهیت معروف علم داشته باشد یعنی بداند آنچه شخص مکلف به جا نمی‌آورد واجب بوده که آن را انجام دهد و عملی که مرتکب می‌شود حرام بوده و باید ترک کند. بنابراین، بر کسی که معروف و منکر را نمی‌داند واجب نیست؛ از این رو، نهی از منکر کردن کسی که نمی‌دانیم کارش حرام است یا نه (مثلاً معلوم نیست موسیقی که گوش می‌دهد از نوع مبتذل و حرام آن است یا حلال) واجب بلکه جایز نیست. همچنین شایسته است که امر به معروف، روش‌های مختلف و موثر در مواجهه با فرد خاطی و انجام امر به معروف و نهی از منکر را نیز بداند؛ هر چند که شارع مقدس در مورد روش‌ها و قالب‌های امر به معروف و نهی از منکر محدودیت قائل نشده است، ولی



مهم در مواجهه به هر موردی، توجه به به کارگیری مؤثرترین روشی است که با تجربه و شناخت قبلی بتوان این تکلیف را به خوبی انجام داد تا به نتیجه بهتری برسد؛ مثلاً در صورتی که گناهی به صورت پنهانی انجام میگیرد، نهی از منکر نیز باید پنهانی باشد.

۲. احتمال تأثیر

یعنی احتمال بدهد امر و نهی او اثر و نتیجه ولو در آینده دارد، پس اگر بداند اثر نمی کند واجب نیست. البته، اگر احتمال تأثیر اندک است باید از راه های مختلف برای احتمال تأثیر مدد گرفت؛ به عنوان نمونه با استفاده از ظرفیت فضای عمومی و علنی اجتماع و حساس کردن ذهنیت جامعه به پیامدهای گناهان یا ایجاد کمپین های بزرگ در فضای مجازی و مطبوعات و یا دعوت از مسئولان بلندپایه و بین معروف از زبان ایشان، برای تأثیر بخشی بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کسب قدرت کنیم.

۳. اصرار بر گناه

بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند، یعنی شخص گناهکار برا استمرار گناه اصرار و سماجت داشته باشد. بنابراین، اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که وی بدون اینکه امر و نهی شود خود از خطا دست برمی دارد یعنی معروف را به جا می آورد و منکر را ترک می کند امر و نهی او واجب نیست.

۴. نداشتن مفسده

در خود امر و نهی مفسده ای نباشد، پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او یا وابستگان به او یا به مسلمان دیگری می رسد واجب نیست.

البته مکلف موظف است اهمیت موضوع را ملاحظه کند؛ یعنی باید در همه معروف و منکرها بین مفسده امر و نهی و مفسده ترک امر و نهی مقایسه کند و سپس به آنچه مهم تر است عمل نماید. از این رو، اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیاد می دهد مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام



ضروری اسلام، مجرد ضرر، موجب واجب نبودن نمی‌شود، و اگر حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروری اسلام بر بذل جان و مال توقف داشته باشد، بذل آن واجب است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است، و با احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، جایز نیست که به مراتب دیگر عمل شود.

مرتبه اول :

امر و نهی در ساحت قلبی است یعنی از منکر تنفر داشته باشیم. امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث دیگری، ویژگی شخصی که منکر را ترک کند بیان فرمودند:

مَنْ تَرَكَ إِذْ كَارَ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَبْتَيْنَ الْأَحْيَاءِ؛

کسی که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار نکند، مرده‌ای است میان زندگان است.^{۱۱}

این مرحله، خود دارای درجاتی است که اگر با پایین‌ترین درجه و سبک‌ترین راه می‌توان امر و نهی کرد و به مقصود دست یافت، نباید متوسل به درجه بالاتر شد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: با تبسم و لبخند و روی گشاده برخورد کردن، چشم فرو بستن، خیره شدن، به روی دست زدن، دندان به لب گرفتن، چهره عبوس با دست یا سر اشاره کردن، سلام نکردن، روگرداندن، پشت کردن، صحبت را قطع کردن، قهر و ترک معاشرت کردن.

اگر اعراض نمودن و ترک معاشرت با معصیتکار موجب تخفیف معصیت می‌شود یا احتمال بدهد که موجب تخفیف می‌شود، واجب است اگر چه بدانند بکلی موجب ترک نمی‌شود و این امر در صورتی است که با مراتب دیگر، نتواند از معصیت جلوگیری کند.

۱۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۱.



مرتبه دوم :

از امر به معروف و نهی از منکر که در واقع گسترده‌ترین مرحله است، امر و نهی به زبان می‌باشد، پس با احتمال تأثیر و حصول سایر شرایط گذشته، واجب است اهل معصیت را نهی کنند، و تارک واجب را امر به آوردن واجب کند.

مرتبه سوم :

توسل به زور و جبر است، پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی‌کند یا واجب را بجا نمی‌آورد، مگر با اعمال زور و جبر، واجب است، به خصوص با تظاهر و تظاهر به منکر در صحن علنی جامعه باید برخورد سخت شود، لکن باید تجاوز از قدر لازم هم نکند.

بنابراین، امر و نهی عملی نیز درجاتی دارد که اگر با پایین‌ترین درجه و آسانترین روش می‌توان نتیجه گرفت نباید به درجه شدیدتر پرداخت. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: حایل شدن و جلوی فرد را گرفتن، حربه از دست گرفتن، و ساییل گناه را از دسترس او خارج ساختن، عقب راندن، دست طرف را محکم نگه داشتن، حبس کردن، سختگیری کردن، کتک زدن، به درد آوردن، مجروح و زخمی کردن، شکستن عضو، از کار انداختن، ناقص کردن.

اگر ممکن شود جلوگیری از معصیت به این که بین شخص و معصیت حایل شود و با این نحو مانع از معصیت شود، لازم است به آن اکتفا کند. اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر این که دست معصیت کار را بگیرد یا او را از محل معصیت بیرون کند یا در وسیله‌ای که با آن معصیت می‌کند تصرف کند، جایز است، بلکه واجب است عمل کند و در کل باید توجه داشت که هرگاه تاثیر یک مرحله از فریضتین از مراحل قبل بهتر بود، آن مرحله مقدم می‌شود.



نکته مهم:

اگر در مرتبه اعمال قدرت و توسل به زور، ضرری متوجه آمران به معروف و ناهیان از منکر باشد، جایز نخواهد بود. البته، با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب بعد از مرحله امر و نهی زبانی را به نیروهای امنیتی (پلیس) و قوه قضاییه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی (قلبی و) زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و ضابطان قوه قضاییه ارجاع دهند. از این رو، تا زمانی که مجوز این کار از نهادهای مسئول برای فردی صادر نشده مرحله عملی جایز نیست؛ ولی مرحله قلبی و زبانی نهی از منکر بر عهده همگان می‌باشد.

اهمیت مرتبه زبانی

همانطور که بیان شد امر و نهی دینی دارای سه مرتبه اظهار تنفر قلبی، امر نهی زبانی و اعمال قدرت است که مهمترین بخش آن مرتبه دوم، یعنی امر و نهی زبانی می‌باشد که به عنوان یک وظیفه همگانی برای اصلاح و آگاهی بندگان خدا تشریح گردیده است و از نقش اصلاحی خوبی در همه زمان‌ها و محیط‌های اجتماعی و خانوادگی برخوردار است. در بیان دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد و تذکر یا تبلیغ و تنبیه نیست بلکه در واقع، یک نظارت مردمی است که هر کس علاقه مند به سلامت معنوی محیط زندگی خود باشد می‌تواند به آسانی در خیل عظیم مصلحان بی‌نام و نشان جامعه درآید و به اندازه توان خود نهالی از معرفت بنشانند و شعله سیاهی از آتش گناه را خاموش کند و در نتیجه دهان خود را به رایحه خوش پیام خداوند خوشبو گردانده باشد و پروردگار عالم او را در دیوان مدافعان از دین خود ثبت نماید و از تجلی نور غیرت او خشنود گردد.



مراتب امر و نهی زبانی

مرتبۀ زبانی امر به معروف و نهی از منکر نیز دارای سه مرحله است:

1- موعظه و گفتار نرم.

2- امر و نهی آرام.

3- امر نهی تند.

رعایت مراتب زبانی الزامی است و اگر کسی بتواند با مرحله اول به وظیفه خود عمل کند نباید به مرحله دوم وارد شود و اگر بتواند با مرحله دوم وظیفه خود را به انجام رساند نباید وارد مرحله سوم گردد.

بنابراین، امر و نهی لسانی نیز، درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و آرام‌ترین لحن می‌توان به مقصود رسید نباید اقدام به درجه بالاتر کرد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آنها عبارتند از: ارشاد کردن، تذکر دادن، موعظه کردن، پند و اندرز دادن، مصالح و مفاسد و سود و زیان‌ها را بر شمردن، بحث و مناظره کردن، استدلالی سخن گفتن، با غلظت و درشتی حرف زدن، با تهدید صحبت کردن.

به طور کلی، در مراتب امر به معروف و نهی از منکر رعایت مرتبه اول (اظهار تنفر قلبی) پیش از مرتبه دوم (زبانی) الزامی نیست؛ مگر اینکه مرتبه اول برای گنهکار آسانتر باشد که در این صورت رعایت مرتبه اول واجب خواهد بود و گرنه از میان رتبه اول و دوم هر کدام از اظهار تنفر قلبی و امر و نهی زبانی بر گنهکار آسانتر باشد عمل به آن واجب خواهد بود و ما در بحث بعدی آن را بیان خواهیم کرد.



گستره امر و نهی زبانی

امر و نهی زبانی گسترده ترین مرتبه از مراتب امر به معروف است؛ به گونه‌ای که بخش اعظم این وظیفه الهی با زبان عملی می‌شود؛ زیرا امر و نهی دینی چهار قسم کلی دارد که یا تنها به وسیله زبان جامه عمل می‌پوشند و یا زبان نقش بیشتری را در انجام آنها دارد و ما برای وضوح بیشتر این اقسام چهار گانه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

1- امر به مستحبات

امر به مستحبات تنها با رتبه دوم یعنی به وسیله زبان انجام می‌گیرد و رتبه اول و سوم ندارد؛ زیرا مرتبه اول که اظهار تنفر قلبی است و همچنین مرتبه سوم که اعمال قدرت برای انجام معروف است در آن مطرح نیست؛ چه اینکه امر به مستحبات، مستحب می‌باشد.

2- نهی از مکروهات

در نهی از مکروهات نیز مانند امر به مستحبات مراتب سه گانه امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد و تنها نهی از منکر زبانی انجام می‌گیرد؛ زیرا اگر چه مکروهات مورد نهی قرار گرفته‌اند، اما با توجه به اینکه اسلام به نوعی مردم را در انجام آنها آزاد گذارده، اظهار تنفر قلبی که مرتبه اول است و اعمال قدرت که مرتبه سوم می‌باشد در مکروهات مطرح نیست چه این که نهی از مکروهات مستحب می‌باشد.

3- امر به واجبات

در امر به واجبات مراتب سه گانه امر به معروف وجود دارد؛ اما مرتبه دوم که مرتبه زبانی است از همه گسترده‌تر است؛ زیرا غالباً اظهار تنفر قلبی نظیر ترشروی، سرد برخورد کردن و روگردانی که مرتبه اول است برای گنهکار سنگین‌تر از سخن ملایم و نصیحت به اوست و به فتوای مراجع تقلید اگر مرتبه دوم برای گنهکار آسان‌تر از مرتبه اول باشد، واجب است به مرتبه دوم عمل شود.



از سوی دیگر، مرتبه زبانی امر به واجبات از مرتبه سوم نیز که توسل به زور است گسترده‌تر می‌باشد؛ زیرا امر به بسیاری از واجبات به واسطه زبان انجام می‌گیرد و نوبت به مرحله اعمال قدرت نمی‌رسد و مواردی هم که انجام آنها با توسل به زور صورت می‌گیرد به عهده نظام اسلامی است و اگر نظام هم در انجام وظیفه خود کوتاهی کند بسیاری از ترک واجبات که انجام آنها نیازمند اعمال قدرت است به خاطر ضروری که برای آمران به معروف دارند واجب نخواهند بود. نتیجه این که غالب امر به واجبات به صورت امر به معروف زبانی انجام می‌گیرد.

4- نهی از محرمات

در این قسم از نهی از منکر هم مراتب سه گانه امر و نهی دینی وجود دارد؛ اما نهی از منکر زبانی از دو مرتبه اول و سوم گسترده‌تر است و دلایل آن دقیقاً همان دلایلی است که در امر به واجبات مطرح گردید.

ویژگی‌های جملات در امر و نهی زبانی

واژگان در امر به معروف از جایگاه مهم و حساسی برخوردارند؛ زیرا این کلمات، خود مبلغانی هستند که پیام خداوند را بر بال خود می‌نشانند و بر بام وجود گنهکار می‌نشینند. بنابراین شایسته است بهترین، عالی‌ترین و شایسته‌ترین کلمات را برای انجام این ماموریت الهی انتخاب کنیم.

وقتی امر به معروف آگاه باشد که از سوی چه کسی ماموریت دارد و ماموریت او از کدامین ماموریت‌های عالم وجود است برای پیام خداوند و انجام ماموریت الهی و پیامبر گونه خود پاکیزه‌ترین، نورانی‌ترین و دلنشین‌ترین کلمات و ادبیات خود را به عرصه این ماموریت مقدس می‌آورد تا این پیام آسمانی به زیباترین شکل خود تجلی کند و پذیرش مخاطب را در رتبه بالاتری قرار دهد.

با توجه به اهمیتی که برای الفاظ امر و نهی دینی بیان گردید به بیان چند اصل و ویژگی در ارشاد زبانی می‌پردازیم تا با رعایت آنها درصد موفقیت وظیفه شرعی ما بیشتر شود.



۱. شیوایی

جمله شیوا، جمله‌ای رسا، فصیح و روان است که نزد مخاطب دلنشین‌تر و تاثیرگذارتر است؛ زیرا امر به معروف باید به راحتی فهمیده شود و از هرگونه پیچیدگی، نامفهومی و کلمات نامانوس و جمله بندی‌های ناقص و ثقیل به دور باشد به گونه‌ای که گنجهکار با سهولت و سرعت محتوای آن را درک کند؛ به ویژه اینکه ممکن است فرصت امر و نهی بیش از چند لحظه نباشد؛ نظیر اینکه در طول چند لحظه ای که از کنار یک راننده بی نظم می‌گذریم بگوییم با رانندگی خود آرامش مردم را به هم نزن.

۲. صراحت

جمله صریح، جمله ای است که از وضوح و روشنی لازم برخوردار باشد امر به معروف باید صریح بیان شود به گونه‌ای که گنجهکار به راحتی منظور تذکر دهنده را بفهمد و دچار برداشت غلط نگردد. در پرده بیان کردن امر و نهی دینی فهم آن را دشوار کرده و گاهی سخن را چند پهلو می‌کند به گونه ای که برداشت‌های مختلفی از آن می‌شود، و در نتیجه، وظیفه انجام نگرفته و ارشادی صورت نپذیرفته است. البته صراحت در محتوا غیر از صراحت در بیان است و در مجموع باید به گونه‌ای تذکر دهیم که مخاطب سخن و هدف ما را به خوبی بفهمد.

۳. متانت

امر و نهی دینی باید متین یعنی محکم و استوار باشد و ضعف و سستی در آن راه نداشته باشد وقتی کلمات ارشادی با وقار و ثبات لازم همراه باشد درصد اعتماد و پذیرش را بالا می‌برد.

۴. جدیت

الفاظ تذکر باید جدی و به دور از هر گونه شوخی و تسامح باشد در غیر این صورت مخاطب آنها را جدی نخواهد گرفت و امر و نهی دینی صورت نخواهد پذیرفت.

۵. اختصار

تذکر باید مفید و مختصر باشد و در چند کلمه گویا و شفاف امر و نهی دینی به گنجهکار ابلاغ شود. بله در برخی موارد که امکان، زمینه و شرایط توضیح لازم و مفید وجود دارد اختصار لازم نیست.



۶. اعتدال

کلمات و جمله بندی‌های امر و نهی دینی باید از هرگونه افراط و تفریط و بزرگ و کوچک کردن گناه به دور باشد، مکروه را حرام جلوه ندهیم، معصیت کوچک را به عنوان معصیت کبیره معرفی نکنیم و معصیت بزرگ را یک گناه کوچک جلوه ندهیم و خلاصه بدی و زشتی و قبح گناه را به همان اندازه که در شرع اسلام وارد شده است بیان کنیم نه کم و نه زیاد.

۷. سلامت

الفاظ و جمله های تذکر باید سالم و صالح باشد و از آفاتی چون نیش زدن، تحقیر توهین و فحش و هرگونه بدگویی دیگران برکنار باشد تا وظیفه دینی انجام گیرد و امر به معروف در حرکات اصلاحی خود پیروز شود. زیرا سخنان آفتمند تاثیری ندارند و چه بسا جزو گناهان به حساب آیند و با گناه نمی شود خدا را اطاعت کرد و گناهکاری را هدایت کنیم بلکه سخنان آفتمند می‌توانند گنهکار را در موضع بدتری قرار دهند.

تذکر دهنده اگر چه از گناه و گنهکار ناراحت است اما نباید برای خنک کردن دل خود توهین کند و ناسزا گوید؛ زیرا ما به دنبال اصلاح دیگران هستیم و نه خنک کردن دل خود. دل مومن در آخرت خنک خواهد شد و این تقدیری است که رقم خورده است.

۸. عطوفت

کلمات مورد استفاده در امر و نهی دینی باید به مهربانی آراسته باشند استفاده از کلماتی نظیر برادرم، خواهرم و امثال آنکه نماد عطوفت و نزدیکی با مخاطب است. امر و نهی کننده را به امر و نهی شونده نزدیک می سازند و این نزدیکی میزان پذیرش را بالاتر می‌بردند.

ادبیات امر به معروف می‌تواند به نوعی با مهربانی همراه باشد البته لحاظ این ویژگی همیشگی نیست و گاهی غلظت و درشتی واجب می‌گردد، اما اصل بر این است که در ارشاد دیگران مهربان باشیم و بدی‌های آنها را با خوبی پاسخ دهیم. مبادا بدی آنها ما را به بدی بکشاند که کار الهی ما را ضعیف خواهد کرد. رفتار خوب ما در برابر بدی های دیگران، تکانی روحی به آنهاست ضمن اینکه پاداش بزرگی را برای تذکر دهنده به همراه دارد.



۹. اکرام و احترام

احترام به گنهکار باید در الفاظ و ادبیات امر و نهی دینی مورد توجه قرار گیرد و به تعبیر دیگر ادبیات امر به معروف باید محترمانه باشد به گونه‌ای که گنهکار این ویژگی را احساس نماید و زمینه پذیرش در او تقویت گردد نظیر این که به خانمی که پوشش دینی را مراعات نکرده است گفته شود: شما خانم محترمی هستید اما پوشش شما برخلاف احکام اسلام و رضایت خداوند است مراعات بفرمایید خود را بیوشانید. البته اشاره به این نکته لازم است که احترام به گنهکار نظیر احترام به صاحبان علم و فضیلت نیست که شخصیت آنها بخاطر ارزش‌های که دارند قابل تکریم است بلکه از آن جهت که گنهکارند مورد مذمت هستند اما بخاطر موفقیت در تذکر خود به آنها احترام می‌گذاریم هر چند ذاتا استحقاق چنین اکرامی را نداشته باشند زیرا احترام به گنهکار از عوامل موفقیت عرصه امر و نهی دینی است و او را از لجاجت و عصبی شدن دور کرده و درجه‌ی پذیرش او را بالا می‌برد زیرا امر و نهی دینی در عین حال که یک حرکت مثبت و متعالی است در مواردی این ذهنیت را برای گنهکار پدید می‌آورد که مبدا تذکر دهنده قصد توهین و تحقیر او را دارد اما با احترامی که به او می‌گذارد این ذهنیت منفی از میان می‌رود.

ذهنیت دیگری برای گنهکار مطرح است و آن اینکه تذکر دهنده او را گنهکاری بیش نمی‌داند پس برای وی شخصیتی قائل نیست اما وقتی مشاهده می‌کند حرمت او به طور کامل حفظ شده است سوء ظن احتمالی او به حسن ظن تبدیل می‌گردد. همچنین، نکته روانشناختی دیگری وجود دارد و آن، این است که احترام به گنهکار موجب می‌شود احساس شخصیت کند و این احساس زمینه خوبی برای پذیرش تذکر است؛ زیرا کسانی که احساس شخصیت نمی‌کنند حق‌پذیری در آنها ضعیف و با تعلل و تاخیر و بهانه‌جویی همراه است و چه بسا کار آنها به استهزاء امر و نهی و امر و ناهی کشیده شود.

خلاصه آنکه معنای احترام به گنهکار این است که با اخلاق اسلامی و رعایت حقوق دیگران و پرهیز از هر گونه بد رفتاری و بدگفتاری با او روبرو شویم و البته نباید احترام به گنهکار با اغراق همراه باشد یا از حالت طبیعی خارج گردد؛ زیرا در این صورت تذکر دهنده در ذهن گنهکار زیر سوال می‌رود و در نتیجه پذیرش او ضعیف می‌گردد.



شیوه‌های کاربردی در امر به معروف و نهی از منکر

همانطور که در ابتدای این بحث بیان شد دین مبین اسلام که به همه ابعاد زندگی بشر توجه دارد، دستورها و رهنمودهای روشنی برای یک شهروند مسئول در روابط اجتماعی خود با دیگران بیان فرموده که هم مایه کمال معنوی و رشد شخصیتی انسان می‌باشد و هم مایه بهبود اوضاع اجتماعی و ساختن جامعه نمونه برای بشر است. بنابراین، با توجه به اهمیت انجام فعالیت‌های اجتماعی و جلوگیری از بروز وقایع ناهنجار در جامعه، قوانین و مقرراتی در شریعت اسلامی وضع شده که یکی از مهمترین آنها، توجه دادن و امر به خوبی‌ها و بازداشتن مردم از زشتی‌ها و بدی‌هاست.

البته، فارغ از ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی، اهمیت اتخاذ شیوه‌های صحیح و مناسب برای انجام این فریضه کاملاً امری بدیهی است. نا آگاهی از روش‌های اجرای این فریضه چه بسا عکس العمل منفی در مخاطب ایجاد کند. تبعات سوء و پیامدهای منفی ناشی از به کار بستن روش‌های نامناسب در جامعه ما، مصادیق بسیاری دارد که اکنون مجال بیان آن نیست. از سوی دیگر، بسیاری از مومنین می‌پندارند، که فریضه امر به معروف و نهی از منکر، یک کار بیهوده و بی‌کاربرد در عصر و جامعه امروزی است، ولی این اعتقاد، بر پایه علم و مستندات صحیح نیست؛ زیرا اگر از مصالح انجام و مفاسد ترک آن اطلاع داشته باشیم دیگر اینگونه نخواهیم اندیشید. بله، ناگزیریم برای رسیدن به شرایط مطلوب، موقعیت موجود را بشناسیم و براساس اقتضای زمان خود، برخی شیوه‌های کاربردی را براساس اصول و مبانی اسلامی به کار بندیم. پیش از اشاره به برخی از شیوه‌های کاربردی امروزی در انجام این فریضه، به چند اصل مهم در این باره اشاره می‌کنیم، به این امید که ما را به اتخاذ شیوه‌های صحیح، مناسب و کاربردی رهنمون گرداند.

۱. شناخت موقعیت و شرایط مخاطب

متأسفانه در بسیاری از موارد، وقتی با افرادی که به تلقی ما، اندیشه‌ای غیر از اعتقادات ما و رفتاری غیر از منش ما را پذیرفته‌اند، مواجه می‌شویم، دچار احساسات شده و گفتار و کردار آنها را ناشی عناد و لجابت تصور می‌کنیم. چه نیکوست که اندکی بیندیشیم و خود را به جای آنها قرار داده و فکر کنیم. زیرا اگر ما هم شرایط سنی، محیط خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی و ... آنها را داشتیم، آیا مثل آنها نمی‌اندیشیم؟



بنابراین، باید از شتاب در قضاوت و پیش داوری درباره مردم بپرهیزیم و معیار سنجش افراد را محیط و طرز تفکر آنها قرار دهیم، آنگاه با رعایت مصلحت و روش مناسب، و البته متناسب با موقعیت و سن او، به درمان و اصلاح وی بپردازیم. پیام‌رسان خوبی‌ها (آمر و ناهی) باید مخاطب خود را بشناسد، و روحیات، گرایش‌ها، حساسیت‌های سنی، گروهی، شغلی و سیاسی او را با دقت مورد نظر قرار دهد.

انتخاب شیوه امر و نهی، کلمات، تعابیر، کیفیت محتوا و روش بیان باید براساس روانشناسی مخاطب باشد. ممکن است با یکی صحبت ابتدائی و اندک کافی باشد و با دیگری سخن استدلالی ضروری به نظر برسد. یکی را با زبان احساس باید سخن گفت و با دیگری بوسیله داستان و... صحبت کرد. خیر خواه واقعی کسی است که با هر فردی به اندازه ظرفیت اندیشه او و با زبان خاص خودش سخن بگوید. راه‌های تأثیرگذاری در مخاطبان متفاوت است، و از این رو، شناخت زبان و ویژگی‌های روحی فرد، ضامن توفیق و تاثیر بیشتری خواهد بود.

۲. زمینه‌سازی

بسیاری از تذکرها اگر بدون مقدمه چینی‌های لازم انجام شود، اثرگذار نخواهد بود. ذکر مقدماتی که آمادگی فکری و روحی طرف مقابل را برای پذیرش فراهم می‌سازد، بر نفوذ کلام می‌افزاید. در زمینه‌سازی باید نکاتی در نظر گرفته شود که از نظر عاطفی و منطقی در ارتباط با نتیجه نهایی مورد نظر باشد.

۳. هماهنگی و برنامه‌ریزی

امروزه نوع ارتباط در جامعه با گذشته بسیار متفاوت شده است، دشمنان هم برای مقابله با دین، تهاجم برنامه‌ریزی شده‌ای دارند. برای مقابله با این هجوم هم باید با برنامه‌ریزی عمل کرد. هماهنگی میان ارگانها و نهادهای مختلف و مراکز تربیتی و فرهنگ ساز ضروری است و گرنه تلاش دراز مدت گروهی با یک برنامه دیگر خنثی می‌شود و زحمات بر باد می‌رود.



۴. شناخت ریشه معروف و منکر

خطاها و مفاصد اجتماعی، گاهی ریشه‌هایی دارد که از چشم پنهان است و ما شاخ و برگ‌های آن را می‌بینیم. بدون شناخت و قطع ریشه، مبارزه با شاخ و برگ کم اثر است و مبارزه با معلول به جای مبارزه با علت توفیق چندانی نخواهد داشت. البته این به آن معنا نیست که کاری با معلول‌ها و شاخ و برگ‌ها نداشته باشیم، بلکه هدف عمده را باید قطع ریشه‌های منکرات بدانیم. مطمئناً در شرایط کنونی مبارزه با تهیه کنندگان ابزارها و عوامل جرم اولویت بیشتری نسبت به مبارزه با برخی مجرمان خرد می‌باشد. به طور نمونه، باید بیشتر از برخورد با معتاد، توجه ویژه‌ای به مبارزه با توزیع و تهیه کننده مواد مخدر داشته باشیم.

۵. ارائه جایگزین

کارشناسان تربیتی می‌گویند اگر می‌خواهید فرزندانان کار خاصی را انجام ندهند، تنها با گفتن نکن، دست نزن، فضولی نکن، با او برخورد نکنید؛ چرا که اینگونه برخوردها علاوه بر عدم موفقیت، موجب مشکلات دیگری در روان کودک خواهد شد. بلکه برای اصلاح او، چند راه مناسب و سرگرمی صحیح را در اختیارش بگذارید تا از راه غلط به عمل مفید سرگرم شود.

در امر به معروف و مخصوصاً نهی از منکر ارائه این راه حل جایگزین بسیار ضروری به نظر می‌رسد، و مطمئناً مخاطب ما اگر راه دیگری را پیدا کند که مناسب و درست باشد با رغبت بیشتری عمل منکر را ترک خواهد کرد.



شیوه‌های کاربردی در تاثیر امر به معروف و نهی از منکر در ۱۳ عنوان

با توجه به مطالب فوق اینک می‌توانیم با برخی از شیوه‌های کاربردی در تاثیر امر به معروف و نهی از منکر، آشنایی بیشتری پیدا کنیم:

۱. ادب در گفتار و رفتار

نوع گفتار و عمل شخص باید چنان باشد که اعتماد طرف مقابل را جلب کرده و به دنبال آن تذکرها و امر و نهی‌ها اثرگذار باشد. بد زبانی، هتاک، گفتار نیش دار و تندخویانه، عامل دفع است و اثر سخن را خنثی می‌کند.

۲. آگاهی بخشیدن

یکی از مهم‌ترین عوامل هدایت انسان، شناختن حقائق است. با آگاهی بخشیدن می‌توان زمینه‌های گناه را کاهش داد. بسیاری از کسانی که از آثار و خطرات خطاهای خود آگاهی لازم را ندارند و به مجرد اینکه از آن خطرات و زیان‌ها آگاه شوند آن را رها می‌کنند. بنابراین، اطلاع رسانی و آگاهی بخشی در مورد خطرات و آسیب‌های اعمال منکر که دامنگیر فرد و جامعه می‌شود، مهم‌ترین عامل بازدارنده‌ای است که به عنوان اقدام پیشگیرانه فرد خاطی را از ادامه انجام منکر بازداشته و تذکر و نصیحت را نیز موثر می‌نماید. بسیاری از واجبات و محرمات دینی بر مبنای منطق و دلیل جعل شده است که اگر آنها را برای مردم بیان کنیم زودتر به نتیجه می‌رسیم.

۳. تدریجی بودن

مرحله‌ای بودن و تدریجی بودن از سنت‌های خداوند متعال در خلقت و افعال بعثت انبیاء و قانون‌گذاری است؛ چرا که اساساً آغاز رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله از نهی حرامات بزرگی مانند شرک و بت پرستی و امر به فرائض بزرگی مانند توحید و یگانه پرستی شروع شد و سپس به تدریج به سایر احکام پرداخته شد. بنابراین، این توقع نابجایی است که انتظار داشته باشیم کسانی را که در گرداب منکرات غلطیده‌اند به یکباره از گرداب در آوریم و از آنها سلمان یا ابوذر زمان بسازیم.



۴. روش‌های غیر مستقیم

در برخی موارد، زمانی امر به معروف و نهی از منکر اثر می‌بخشد که مستقیماً با مخاطب گفتگو شود، اما مواردی نیز هستند که شرایط زمانی یا مکانی اشخاص مورد خطاب اقتضا نمی‌کند مخاطب به طور مستقیم امر و نهی شود و شاید اثر منفی داشته باشد. لذا در این گونه موارد باید از شیوه خطاب (غیر مستقیم) استفاده کرد. توجه به آموزش‌های ظریف و غیر مستقیم در رفتار بزرگان دین حائز اهمیت است. امامان ما گاه برای تعلیم مسائل به دیگران از بیان مثال‌ها بهره می‌گرفتند و گاه آموزش‌هایی را در قالب دعاهایی را که خود می‌خواندند، می‌داده‌اند و گاه این درس‌ها را با عمل خویش بیان می‌کردند و دیگران را تحت تاثیر قرار می‌دادند.

۵. تکرار و تلقین کردن

روش تکرار و تلقین بر قبول آگاهانه و آزادانه همراه با دریافت اطلاعات جانبی حول محور و موضوع مورد قبول بنا شده است و آمیزه‌ای است از علم و احساس. در قرآن کریم داستان سجده فرشتگان بر آدم و انکار ابلیس، داستان حضرت موسی و فرعون، تکرار شدن آیات در سوره الرحمن و ... همه بر اساس حکمت الهی و همین روش استوار است. لذا باید به کسانی که گرفتار گناه شده‌اند تذکر داد و به آنها تلقین نمود که می‌توان از چنگال گناه فرار کرد.

۶. استفاده از هنر

منظور از شیوه هنری در امر به معروف و نهی از منکر آن است که در بسیاری موارد می‌توان با استفاده مثبت از هنر، ارزش‌های الهی را تبلیغ کرد و راه‌ها و روش‌های نفوذ و رسوخ منکر در زندگی و اجتماع را به افراد یادآور شد. می‌توان از راه ساختن فیلم، قصه‌گویی، سرود، شعر و ... معروف و منکر را بشناسانیم و خطر آلوده شدن به مفاسد و پیمودن راه فساد و ضد آن را یادآور گردیم.



۷. از نکات مثبت و خوبی‌ها هم گفتن

در انتقاد و نهی کردن، تنها نقطه ضعف را نباید مطرح کرد، به خوبی‌ها نیز باید اشاره نمود. هنگام نهی از منکر، ابتدا نقاط قوت را باید بازگو کرد و سپس تذکر دهیم که مثلا کسی که این نکات مثبت و کمالات را دارد چرا باید این منکر را انجام می‌دهد؟

۸. شیوه تغافل

یکی از زمینه‌های انجام خلاف آن است که انسان احساس کند، در جامعه آبرو و کرامت ندارد، عذرش پذیرفته نمی‌شود و کسی به سخن او اعتنا نمی‌کند. در اینصورت احساس حقارت و بی‌آبرویی او را به هر گناهی می‌کشاند. در دستورات اسلامی توصیه شده است، گاهی باید انسان خود را به غفلت بزند و تظاهر کند به این معنا که من متوجه اشتباه تو نشده‌ام، تا از این طریق کرامت و شخصیت افراد شکسته نشود و حریم‌ها حفظ گردد.

اگر انسان به جایگاه بلند و کرامت خود توجه کند، هرگز خود را به کارهای زشت آلوده نمی‌کند؛ از این رو هرگز با تحقیر و توهین و اهانت، به خصوص در حضور دیگران نمی‌توان کسی را به کار نیک فراخواند یا او را از کار زشت باز داشت. این گونه برخورد‌ها گاهی عامل لجباجت می‌شود؛ ولی شخصیت دادن به فرد و برخورد احترام‌آمیز، توجه او را به کار نیک بهتر جلب می‌کند.

۹. عیب‌ها را یکجا نگفتن

در نهی از منکر و انتقاد، سعی کنیم که طرف را به رگبار نبندیم. اگر به فردی درباره موضوعی تذکر می‌دهیم نباید به گوئیم که «در درس عقب افتاده‌ای، آداب معاشرت را بلد نیستی، لباس‌هایت را نشسته‌ای». این گونه نهی از منکر برای بسیاری از افراد قابل تحمل نیست. اسلام در مدت بیست و سه سال دستورات خودش را به مردم اعلام کرده.



۱۰. شیوه ایجاد محبت

عشق و محبت، بهترین زمینه و انگیزه برای امر به معروف و نهی از منکر است. در بخش مهمی از قرآن، خداوند نعمتهای خود را می‌شمارد تا عشق انسان را نسبت به خود زیاد کند. کسی که می‌خواهد دیگری را به معروف و نیکی سفارش کند و از کار بدی باز دارد، بهترین راه آن است که با بیان و یاد نعمت‌ها و الطاف الهی ابتدا او را عاشق خداوند کند، تا در آن صورت، تسلیم فرامین الهی شود.

۱۱. شیوه آسان‌سازی

گاهی افراد گناهکار خیال می‌کنند که ترک گناه و یا انجام فلان کار خوب بر ایشان مشکل است. یکی از شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر آن است که ما کار را امکان‌پذیر و شدنی قلمداد کنیم و به مردم بگوئیم که «انجام دادن خوبی‌ها و انجام ندادن بدی‌ها کار چندان سخت و غیرممکنی نیست.»

۱۲. شیوه الگو سازی

معرفی الگو برای جذب به خوبی‌ها و ترک بدی‌ها و منکرات بسیار موثر خواهد بود. هم باید با رفتار پسندیده الگوی دیگران بود و هم با تقدیر و تشویق الگوهای شایسته، زمینه جذب دیگران را فراهم آورد. کسی که در جایگاه الگویی قرار گرفت رفتارها و گفتارهایش برای دیگران حجت می‌شود. لذا باید سعی گردد شایستگی‌های گفتاری و رفتاری الگوهای جوانان هر چه بیشتر مطرح گردد.

۱۳. تذکر خصوصی

گاهی تذکر دوستانه و خصوصی مؤثرتر از افشاگری در حضور دیگران است. تذکر باید آینه وار و صادقانه و بی‌غرض باشد و عیب و کاستی را به شخص نشان دهد نه کوچک‌تر و بزرگ‌تر از آنچه هست و نه از روی غرض و انتقام و کینه. حفظ شخصیت و موقعیت افراد و آبروی آنها تأثیر زیادی در نفوذ کلام



مسائل فقهی و حقوق امر به معروف و نهی از منکر

* اگر احتمال دهد که هدف، با موعظه و ارشاد و سخن نرم برآورده می‌شود واجب است به همین صورت عمل کند و به بیش از آن تعدی نکند.

* اگر بداند که موعظه، ارشاد و سخن نرم تاثیر نمی‌کند امر و نهی زبانی کند و در صورت احتمال تاثیر از آسان‌ترین مرتبه آن شروع نماید و به بیش از آن تعدی نکند؛ به ویژه اگر گنهکار از امر و نهی او مورد هتک قرار می‌گیرد.

* اگر بر طرف شدن منکر و اقامه معروف متوقف بر سخن تند و شدت بخشیدن در امر و تهدید و وعده مخالفت با گنهکار باشد جایز و بلکه با پرهیز از دروغ واجب است.

* اگر عا صی ترک معصیت نمی‌کند مگر به جمع ما بین مرتبه اولی و دومی واجب است جمع به این که هم از او اعراض کند، و ترک معاشرت نماید و با چهره عبوس با او ملاقات کند، و هم او را به صورت لسانی امر به معروف یا نهی کند.

* جایز نیست در انجام نهی از منکر، از حرام و منکر مثل فحش و دروغ و اهانت کمک گرفته شود؛ بلکه اگر منکر از جمله چیزهایی باشد که اسلام به آن اهمیت می‌دهد و به هیچ وجه به انجام آن راضی نباشد نظیر قتل انسان محترم یا ارتکاب گناهان قبیح و بزرگ که وعده عذاب بر آن داده شده است جایز و بلکه واجب است ممانعت شود اگر چه لازم شود از آنچه گفته شد کمک گرفته شود.

* اگر بعضی از مراتب امر و نهی زبانی آزار و اهانت کمتری از بعضی از آنچه در مرتبه اول ذکر شد داشته باشد باید به آنها اکتفا شود. پس اگر موعظه و ارشاد با سخن نرم و چهره‌ای باز موثر باشد یا احتمال تاثیر آن برود آزار کمتری از دوری اعراض و امثال آن داشته باشد جایز نیست دوری و اعراض شود. انسان‌ها در بیان و شنیدن امر و نهی متفاوتند؛ چه بسا دوری و رو گردانی از شخصی از امر و نهی او شدیدتر و سنگین‌تر و اهانت‌آمیزتر باشد و از همین رو امر و نهی کننده باید مراتب اشخاص و عمل به مرتبه آسان‌تر و راحت‌تر را مورد توجه قرار دهد.

* اگر تاثیر امر و نهی به استفاده از مرتبه اول و دوم باشد باید ضمن امر و نهی زبانی از او دوری و اعراض شود.



* نهی از منکرات بزرگ نباید مانع از نهی از منکرات کوچکتر علنی شود؛ زیرا ارتکاب منکرات علنی کوچک نیز در واقع شکستن حریم عبودیت حضرت حق در جامعه است.

* امر به معروف و ناهی از منکر نباید خود را بالاتر از فاعل منکر بداند؛ زیرا نه تنها خود برترینی کاری ناشایست و قبیح است بلکه شخصیت فاعل منکر نیز بر ما پوشیده است و چه بسا وی در نزد خداوند برتر از امر به معروف باشد. بنابراین، نهی از منکر باید متوجه خود منکر باشد نه شخصیت فاعل.

* به استناد ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف، مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چهارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند.



نتیجه گیری :

در جهان امروز که ما در آن زندگی می کنیم آدم های در کنار هم با افکار و اندیشه های مختلفی وجود دارند؛ که در جوامع مختلفی در حال زندگی هستند. که به دو دسته تقسیم می شوند (به عبارتی) افرادی که مادی هستند (خدا باور نیستند) و افرادی که معنوی هستند (خدا باور هستند) که هر کدام دارای عقاید مختلف هستند، ولی با وجود این تفکرات موجود؛ در خصوص جامعه یک اتفاق نظر دارند و آن این است که در جامعه باید نظارت صورت بگیرد و جامعه دارای یک انضباط باشد که از نگاه موحدان، بخصوص مسلمانان آنچه که باعث ایجاد نظارت و انضباط جامعه می شود امر به معروف و نهی از منکر است که با اجرا شدن احکام آن در جامعه؛ می توان امید به احیا بودن جامعه و حرکت در مسیر تعالی آدم های آن جامعه داشت و اگر این احکام در جامعه تسریع پیدا نکند، جامعه رفته رفته به انحطاط دچار می شود و از مسیر تعالی خارج می شود.

نکته قابل توجه و مهمی که وجود دارد آن است که افراد جامعه چه نقشی دارند در سلامت جامعه و نظارت بر جامعه؛ که در پاسخ آن می توان بیان کرد؛ اگر افراد جامعه به وظیفه خود عمل کنند و احکام امر به معروف و نهی از منکر را بعد از آنکه فرا گرفتند در جامعه به عرصه ظهور برسانند، باعث سلامت جامعه و خانواده خواهد شد.

آنچه که نباید نادیده گرفته شود نقش دولت ها در هموار کردن مسیر امر به معروف و نهی از منکر می باشد که دولت ها وظیفه دارند اقدامات لازم در این امر را انجام داده و چه بسا در مواردی خود دولت ها کار را بر عهده گیرند؛ ولی نقش افراد جامعه در این امر پررنگ تر و حائز اهمیت بیشتری می باشد.



نکات کلیدی:

۱. نظارت در جامعه یک امر عقلی و فطری پذیرفته شده است.
۲. چگونه اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه شکل نگیرد، جامعه به انحطاط می رود.
۳. زندگی این دنیا، یک زندگی اجتماعی است.
۴. افرادی که نگرش و جهان بینی مادی دارند، پیشرفت را تنها از دریچه مادی می نگرند.
۵. امر به معروف و نهی از منکر دو واجب از فروع دین و از پایه های اساسی دین داری به شمار می روند.
۶. معنای احترام به گنهکار این است که با اخلاق اسلامی و رعایت حقوق دیگران و پرهیز از هرگونه بدرفتاری و بدگفتاری با او روبرو شویم.
۷. برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید شیوه های صحیح و مناسب آن را بدانیم.



خود آزمایی :

۱. اگر در مرتبه اعمال قدرت و توسل به زور، ضرری متوجه آمران به معروف و ناهیان از منکر باشد، حکم فقهی آن تذکر، چیست؟

الف) واجب (ب) مکروه (ج) واجب نیست (د) مستحب است

۲. اگر تذکر دهنده گناه کوچک را بزرگ و گناه بزرگ را کوچک شمارد، کدام اصل را رعایت نکرده است؟

الف) اصل اعتدال (ب) اصل حقیقت (ج) اصل اختصار (د) جدیت

۳. کدام گزینه می‌تواند اثر احتمالی امر به معروف و نهی از منکر دینی باشد؟

الف) هدایت بندگان خداوند و سلامت فرهنگی جامعه (ب) رشد فردی اشخاص و ثبات حکومت اسلامی
ج) رفع بدی ها و تحقق خوبی ها (د) رسیدن به کمالات معنوی و پاداش آخرتی

۴. بر طبق آیه قران، امر به معروف و وظیفه چه کسانی است؟

الف) مردان و زنان مومن (ب) مردان مومن (ج) مردان مسلمان و زنان مومن (د) مردان و زنان

۵. کدام گزینه جزو گستره امر به معروف و نهی از منکر زبانی نیست؟

الف) امر به مستحبات (ب) امر به واجبات (ج) نهی از محرمات (د) امر به مباحات



منابع

قران کریم

نهج البلاغه

الكافی

تهذیب الأحكام

توضیح المسائل امام خمینی

اجوبه الاستفتاءات، مقام معظم رهبری